

درباره وحدت

با پوش از خوانندگان عزیز، ادامه این بحث را در شماره‌های آینده دنبال خواهیم کرد.

سرمقاله:

جمعه‌ای که گذشت

آیا حمله به صفوف نیروهای که خواهان مرگ امپریالیسم آمریکا، آزادی و استقلال هستند جز به نفع امپریالیسم است؟

اینگونه اعمال فاشیستی نتیجه منطقی تمام آن تحریکات و "دستور العمل"هایی است که به توده‌های ناآگاه داده می‌شود

بدنبال اقدام توطئه آمیز سنای آمریکا، بعنوان عضو جدا بی‌ناپذیر از پیکر امپریالیسم آمریکا موج عظیمی از خشم انقلابی توده‌های ستمدیده در سراسر ایران بحرکت در آمد. مردمی که هنوز، خون عزیزانشان برکف خیابانها خشک نشده بود. هنوز شعارهای ضد امپریالیستی که با خون شهیدانشان بر در دیوار شهرها نقش بسته در جلو دیدگانشان است، حقا داشتند چنین کنند. و انتظاری جز این نبود که خلقهای ما جواب دشمن اصلی و عامل اصلی جنایت و غارتگری چند دهه اخیر میهنشان را اینچنین پاسخ گوید. اما نیروها و کسانیکه منافع خود را، در جریان تداوم و تعمیق مبارزه توده‌های ستمدیده بر علیه امپریالیسم و ارتجاع در خطر می‌بینند، آنها که ترس از امواج توفنده انقلاب بطرف امپریالیسم سوشال داده است، تلاش کردند تا در اینجا نیز مانع و سد راه باشند آنان کوشش کردند تا اثر این امواج خشم توده‌ها را هرچه بیشتر بکاهد. اتفاقاتی که در صبح جمعه در تهران و در جریان تظاهرات سازمان چریکهای فدائیس خلق و کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر انفسان افتاد جزئی از این تلاشها بود:

چهره فاشیسم

مفاهیم انسانهای آزاده ای که کینه مقدس بسام امپریالیسم را در دل داشتند. و مسیری را می‌پیمودند تا بسفارت آمریکا رفته و قطعه‌نامه خود را بخوانند. توسط اوباشان و چاقو کشانی که خود را مسلمان مینامیدند برهم زده شد. اینان که تحت حمایت جوانهای مسلح بقیه در صفحه ۲

- قیاده موقت را بشناسید
- اخبار و مبارزات کارگری
- پیام به هیأت تحریریه مبارز گیهان

پیکار

دوشنبه هفتم خردادماه ۱۳۵۸ بهاء: ۱۰ ریال

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

تظاهرات ضد امپریالیستی توسط انحصارطلبان مورد حمله وحشیانه قرار گرفت



فاشیسم در لیب، خویش، معصومیت را خاکستر کرد



غسل تعمید و دلگرمی آمریکا

این ریشخند تاریخ است که از بن انقلابی که طی آن توده های مردم درود بیورهای کوچک و خیابان رامال - مال از شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" ساختند و با شور و عزم و جان بازی بی شائبه خون خود را نثار تحقق این آرمان والا نمودند. آری انقلابی که هنوز شعارها از دیوار پیکار نشده و توده های مردم خشم و نفرت بی پایان خود را از سردسته جهان خواران، امپریالیسم آمریکا، با غریبوهایی خشمآلود در فضای مبین مان طنین انداز میسازند، صاحب منصبان، و گردانندگانی بر سریر قدرت و ارگانهای تصمیم گیرنده و هداایت کننده نشسته اند که آشکارا و پنهان به توطئه‌های خود کرده به آرمانهای انقلاب پشت میکنند به تظهِیر و نقد پس امپریالیسم نشسته، امپریالیستهارا بیهوده در صفحه ۲

جمعه گذشته، همه یک صدا:

مرکس، سمبل آمریکا - عوسام -، در هوا آویخته است. مضحک و احتقاری که در چهره بی حالت و چندان آورش، موج میزند. نمایانگر تمامی تحقیری است که خلق ما نسبت به آمریکا، احساس میکند. و نفرتی است که برای امپریالیسم جهان خوار تف میکنند. پلکاردها، شعارها و فریادها، آغشته به این نفرت است. و خشم مقدسی که از دل این نفرت زیاده میکشد می خواهد تمامی مظاهر امپریالیسم جهان خوار را در کام خویش فروبرد:

قطع کامل سلطه و نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستها، تنه راه جلوگیری از جباول ثروت های ملی و بهره کشی زحمتکشان می باشد

بقیه در صفحه ۳

طبقاتی و تاریخی اش به وی چنین اجازه و توانائی را می بخشد؟ لنین می نویسد: "اگر برانداختن نظام ستمگری ملی در یک جامعه سرمایه داری امکان پذیر باشد، این فقط ستمی است که در کشور جمهوری دموکراتیک پیگیر حکمفرما باشد گسه برابری تام و کامل کلیه ملل را تأمین نماید." (قطعه نامه حزب بلشویک درباره مسئله ملی) و در جایی دیگر ادامه می دهد که "در دوران کنونی فقط پروتاریاست که از آزادی حقیقی ملتها... دفاع می کند." (طبقه کارگر مسئله ملی) اما در دو دسته کمیته مرکزی در این مورد حتی کلمه ای هم بر زبان نمی آورند. آنها از این جملات و از این راهنمودهای قاطع مثل "جن از بسم الله" می ترسند و دوری می جویند. بهمین جهت هم این مسئله درست همان چیزی است که توسط آنان بدست فراموشی سپرده می شود. باید گفت که صحبت نمودن از تأمین کامل حق ملل در تعیین سرنوشت خویش بدون کوچکترین اشاره ای به شرایط تحققش مثل این بی مانده که ما ساعتها درباره محسنات و مزایای یک امر ریک پدیده سخن بگوئیم، بدون اینکه درباره چگونگی و نحوه استفاده و دستیابی به این محسنات و مزایا حرفی زده باشیم. این امر شاید خوب بوده و برای طرف صحبت ما احساس ناگزیر و تجسم بخش رویاهای نیک باشد ولی اگر توأم با قسمت دوم نباشد مافقط حرف زده ایم و کماکان در قلمرو حرف هم باقی خواهیم ماند. اما آیا حزب توده به این امر واقف نیست؟ بدون شک در مورد آنان نمی توان گفت که نمی دانند و یا نخواهند اند بلکه آنها آگاهانه و زیرکانه دست به چنین کاری می زنند تا از یکطرف خاطر "صاحبان قدرت را آزرده نمازند و از طرف دیگر بالاخره موضعی بظاهر علمی و اصولی گرفته باشند.

پس از مبارزه قاطعانه و بی گری که "بلشویکها" و در راه شان لنین برای افساء و طرد تلاشهای اپورتونیستی مبنی بر انکار "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" نشود، چنان اصولی بودن و حقانیت این شعار ثابت و معلوم شده بقعه در صفحه ۴

درباره مسئله ملی (۵)

حزب توده و مسئله ملی

در شماره های پیشین تا حدی توضیح دادیم که طبقات و نیروهای مختلف جامعه تا چه رسد به مواضع طبقاتی و پیوند های اجتماعی خود، شعارها و مواضع متفاوتی را در مورد مسئله ملی ارائه میدهند. و روشن کردیم تنها طبقه کارگر قادر است مسئله خلقها را در متن مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های ستم دیده حل نماید.

در این میان بررسی نظرات کلی و مواضع مشخص حزب توده، در مورد مسئله ملی حائز اهمیت بسیاری است.

این بررسی همگونی نظرات انحرافی حزب توده را بسیار کل دیدگاهها و نظرات او نشان خواهد داد. روشن خواهد کرد که تا چه حد نظر حزب توده در مورد این مسئله نیز تسلیم طلبانه و خاقانانه است.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش چیست؟

از روزنامه مردم چنین آمده است که: "برای حل مسئله ملی اصول زیرین پایه عمل قرار گیرد: الف - تعیین حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش ب - شناسایی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخورد ارشدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود." (مردم شماره ۱ - ص ۸)

این راهنمود در همینجا به پایان رسیده است. خوب، ما هم درستی احکام بالا را تأیید می کنیم و معتقدیم که ایمن اصولی بایستی پایه عمل در حل مسئله ملی قرار گیرد. اما بعد چی. این اصول تحت چه شرایط و چه موقعیتی می تواند تحقق پیدا کند و آنهم آنطوری که در دو سه کمیته مرکزی ادعا می کنند، بطور کامل، چه نیرویی و کدام طبقه است که می تواند چنین کاری را انجام دهد و موقعیت



بدردا غمگین، کمال: "برایم کمال اینست و حشیا نه طعمه آتش توطئه گران پلیس گردد؟"

"کمال سوخت، با قلب کوچک و مهربانش که ساعت شاعر زندگیم بود."

۳۱ اردیبهشت ماه،

جنایت دروغش را تفاتی افتاد، ما شین آقای اصغر شیرزاد بر اثر مواد انفجاری که در درون آن کار گذاشته شده بود، منفجر شد و "کمال" کودک سه ساله که در ما شین پدرش نشسته بود، بطرف فوج و تکان ندهنده ای بوخت، و در برابر چرخان حیرت زده پدروما درش و در فضای آکنده از نفرت بر علیه این جنایت کثیف، در گذشت.

شهید کوچک، کمال شیرزاد، چرا قربانی شد؟ تنها "گناه" او این بود که در ماضی نشسته بود که کتا بهای علمی و اجتماعی را به کتاب فروشی حمل میکرد. و تنها این دلیل کافی بود تا فاشیستها و مرتجعین، که برجم سنگین مبارزه با آزادی و آزادیخواهی را بر سر داشته اند، و با آزادی تمام، و قیاحانه می تازند، او را با تن کشند.

پدرش میگوید: "من نمیخواهم از مرگ فرزندانم افسانه سازی یا تاریخ نویسی کنم، اما مرگ فرزندانم تاریخ زنده کشورمان است. کشوری که مردمش با اتحاد و یگانگی دشمنان خود را شکست دادند، و امروز پس از بیروزی هر روز شاهد تحریکات و توطئه های دشمنان کثکث خورده هستیم، دشمنانی که سعی میکنند هر روز با لباس و پوششی نو بر ضد نیروهای مبارز که هدفی جز پیروزی وضع نایمان مردم ندارند، توطئه کنند."

و این عمل فجیع، سندی است تاریخی بر حجابیست - پیشگی ارتجاع، آنان که دست باین گونه فجایع میالایند؛ متعلق بهر دسته و فرامی که باشند، تنها آب در آسیاب امپریالیسم و ارتجاع میریزند. آنان در بیسک کلام ضد انقلابند.

شهادت کمال کوچک و معصوم، ظنین ناقوس مرگ آوای فاشیسم را رساتر میکند، و شن کوچک ذغال شده ای گواهی است بر لزوم وحدت تمامی نیروهای آزادیخواه و مترقی در مبارزه با ارتجاع و فاشیسم.

سنگ و نفرت بر ارتجاع و فاشیسم

جمعه‌ای که گذشت...

ادامه از صفحه اول
درون چپ‌های راه ارتشی عمل میکردند ، حداقل ایسبی
شنا سانی راه دست میدادند که از جانب قدرت رسمی
کشور آشکارا حمایت میگردد . آنها که تحت حمایت
افراد مسلح و به کمک بسیج های دستی و تکراناسزا
و ایراد ضرب و جرح مبارزین توانستند صفوف تظاهر
کنندگان را چند پاره کنند و مانع از زسیدن آنها به
سفارت شوند ، بخوبی موفق گردیدند که چهره زشت و کویه
انحازر طلبی و فاشیسم را بنمایش گذارند: برای آنها
همین رسوائی بس که تن های خونین ، دلپای آزرده و لب
های که مرتب شاعر " اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشسان
اتحاد " را میداد ... تنه عکس العملی بود که از
نیروهای آزادیار دیده مشاهده کردند...

بدیهی است این نتیجه منطقی تمام آن تحریکات
و دستورالعملهای آشکاری است که بتوده های ناآگاه
داده میشود . اما برآستی تا کی میتوان این روش را
ادامه داد ؟ سردمداران این جریانات چه جواب قانع
کننده‌ای برای توده های که شاهد بطرف این اعمال هستند
دارند ؟ آنها چه پاسخی به تاریخ خواهند داد که به
چه دلیل صفوف نیروهای را که به سمت سفارت آمریکا
حرکت میکردند و جز مرگ امپریالیسم و جز آزادی و استقلال
نیخواستند ، را سد کردند و آنها را چند تکه کردند ؟
افراد شرکت کننده را مفرور ساختند ... آیا آنها
با این کارها جز امپریالیسم آمریکا را خوشحال کردند
آنها چه فکر کرده اند ، آنها خیال میکنند تا چه حد
خواهند توانست مقدرات و مصالح خلقهای ما را این چنین
به بازی گیرند ؟

اما در این روزها ، این کوششها برای ایجاد
نفاق در صفوف خلق ، برای هدر دادن نیروی لایزال
توده‌ها در راه قطع نفوذ امپریالیسم ، از طریق
دیگری نیز تکمیل میشد .

تطهیر امپریالیسم آمریکا ، توسط سخنان عوام -
فربانه وزیر امور خارجه دولت موقت یک نمونه از
این کوششهاست . ایشان که گویا از اوج گیری مبارزه
توده‌ها بر علیه آمریکا در هراس افتاده بودند -
سعی کردند با بزرگ کردن چهره امپریالیسم آمریکا خشم
توده‌ها را فرو بخوابانند ... تا بدین ترتیب (چشمه
بخواهند و چه نخواهند) راه را برای به انحسراف
و به بیراهه کشاندن شمارها و اعمال مردمی ، کسه
برای ابراز انزجار از امپریالیسم و ارتجاع جمع شده
بودند یا نمایندگان بدین ترتیب یا نشان بسپولت
بتوانند صحنه های روز جمعه را بیافرینند ، و سرانجام
نوبت صدا و سیما جمهوری اسلامی بود که تلاش نماید
نقش و اهمیت شرکت نیروهای چپ را برآستباز آنچه که
بود کم اهمیت تر نشان دهد و مهمتر از آن بر نمایش
منزجر کننده‌ای که فاشیسم و انحازر طلبی آفریده
بود سروش گذارد و یا بعبارت بهتر تاشید کند بدین
ترتیب واقعیات را آشکارا قلب کند ، باید عنوان که
گویا " چون عده‌ای از تظار هرکنندگان (مذهبی) شعار
مرگ بر آمریکا را کافی نمی دانستند و معتقد بودند
که باستی شعار مرگ بر آمریکا و چین و شوروی را داد
کنند یهائی در تظار هرات چریکهای فدائی پیش آوردند "

(نقل به معنی از گفتار رادیوی ایران)
هر ناظر منصفی میداند که معنی واقعی ایسبن
" کنند ؟ چه بود ؟ ... باید از مسئولین این موه سمه
سانسور و تحریف وقایع پرسید شما چطور در تحریک
مردم ، و تشویق آنها برای حمله به نیروهای چپ
بلدید آشکارا و بی پرده سخن گوئید . اما شما متاسین
را ندارید نتایج شوم این تحریکات و تشویقات خود
را نیز همانطور که اتفاق می افتد بازگو کنید . اما
واقعا اگر در مقابل این همه اوباشان و اخلاک گران
مشکوک ، آن سکوت و متانت و بردباری آزاد منطانه
نبود این موه سمه ، دروغ و فریب چه‌ها که نمیکرد ؟

وظیفه نیروهای م.ل

اما آنچه در رابطه با این روز به نیروهای م.ل.
بر میگردد چیست ؟ ... اینکه آنها توانسته بودند
انقلابی ترین و برعکس آنچه به تا زگی از جانب قدرت
حاکم و رویزیونیستها تبلیغ میشود - عملی ترین
شاعرهای شایسته یک انقلاب را که تحقق آن هنوز جز
آرزوهای توده‌هاست به خیابانها بیاورند ، بخودی خود
امر بسیار خوبی بود . این که آنها شاعرهای را بر
پرچمهای افراشته خود حمل میکردند که اکثر آنها
قبل از قیام برشکوه بهمن نیز (در زمان شاه خائن) به

خیابانها می آمد ، بخودی خود افشاگرانه بود و نشان
میداد که در این انقلاب توده‌های ستمدیده واقعا چه
بدست آورده اند ... و نشان میداد توده‌ها بکدام یک
از خواستهای قبل از قیام خود رسیده اند ... اینکسه
نیروهای م.ل. توانسته بودند ده‌ها هزار نفر از توده‌های
انقلابی و دمکرات را حول شعارهای خود بسیج سازند
به تنهایی قابل تحسین است ، اینکه ای نیروها توانسته
اند چهره و ماهیت واقعی رویزیونیستها و درآس آنها
حزب توده را تا آنجا افشا سازند که آنها را از صفوف
خود برانند و آنها را درست همانجائی بفرستند که باید
بروند (به دنبال بورژوازی) خود امر مطلوبی است . و
اینکه آنها توانستند با متانت و بردباری در مقابل
حملات فاشیستی چهره انحصار طلبان را بیش از پیش در
نزد عده باز هم بیشتری افشا سازند ... همه و همه
در مجموع جنبه‌های مثبت کار نیروهای م.ل. در این
روز بود . که باستی با حرارت و با قوای بیشتر باز
هم ادامه یابد ، و به هیچ وجه حملات فاشیستی بهانه
عقب نشینی و در جا زدن نگردد . چرا که فاشیسم حملات
خود را نه بر اساس یک محاسبه تاکتیکی ، نظیر آمدن
یا نیامدن این یا آن نیرو به میدان ، با عده کم یا
زیاد ، بلکه بر اساس یک دید استراتژیک سازمان میدهد
در این راه حتی او وجود نیروهای م.ل. نیز گاه برایش
بهانه است بلکه او در پی خفه ساختن هر نیروی دمکرات
و انقلابی است . بنا بر این هر عقب نشینی بناجا سکوت
از آزادی را براحتی در اختیار او میگذارد و او را سر-
مست تر بجلو میراند ...

اما برای تعمیق انقلاب ، برای بشمر رساندن
مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ، برای منزوی
ساختن و افشای هرچه بیشتر رویزیونیستها ، آیا تنها
همین کارها کافیست ؟ بررسی همه جانبه تر عملکرد
نیروهای م.ل. در این روز میتواند بنهائی گوشه‌ای
از حقایق را باسخ گو باشد .

عده همبستگی نیروهای م.ل.

۱ - در این روز همه شاهد بودیم قبل از اینکه
فاشیسم با اعمال زور و قلدری صفوف نیروهای م.ل. را
چند پاره کند . این نیروها خود ، آگاهانه (به میل
یا به اجراه) نیروهای خود را از هم جدا ساختند
بودند . این واقعیت چه چشم اندازی را در مقابل
ضرورت همبستگی و اتحاد نیروهای م.ل. در پیش روی ما
میگذارد ؟ اگر آنها نمیخواهند و یا نمیتوانند در
مورد مشخصی (این چنین) که راه برای همبستگی باز
است ، به وحدت عمل برسند ، چه سرنوشتی را باید برای
وحدت و همبستگی انتظار کشید ؟ آنها که تا بیست و
امرا دارند از ابتدا از خود را از دیگر نیروها
جدا سازند واقعا چگونه قادر خواهند بود چند دمتر
آنقدر در مقابل هجوم انحصار طلبان دوام بیاورند ؟
و آیا این تاکید دیگری بر ضرورت همبستگی و وحدت
نیروها نیست ؟

کلید اساسی

۲ - اینکه نیروهای م.ل. شرکت کننده در راه پیمائی
جمعه توانسته بودند جمعیت نسبتا وسیعی از توده های
دمکرات و آگاه و انقلابی خلق را حول شعارهای خود گرد
آورند - که به جای خود قابل تمجید است - چگونه می
توانند ادامه کاری خود را تضمین نمایند ؟

جواب به این پرسش چندان مشکل نیست. در شرایطی
که جامعه ما وارد مرحله نوینی از حیات خود شده است
در این شرایط نیروهای م.ل. تنها از طریق جلب هرچه
بیشتر زحمتکشان بسبب خواستها و شعارهای طبقه کارگر
است که میتوانند به شکل و بسیج اقشار نزدیک به
پرولتاریا و روشنفکران انقلابی نیز موفق گردند و آنها
را در اتحاد با پرولتاریا نگه دارند . و روز بروز
به جلب و بسیج بیشتر اقشار دمکرات جامعه نا تل آیند
بدون توجه به این مهم نیروهای م.ل. نخواهند توانست
نقش توده‌ای خود را گسترش دهند .

بنابوجه به این مهم قابل پرسش است که واقعا در
تظار هرات روز جمعه چند در صد جمعیتی که توسط نیرو-
های م.ل. بسیج شده بودند از زحمتکشان بودند ؟ واقعا
چقدر کارگر در این تظار هرات شرکت کرده بود ؟ ... با
توجه به آمار پاشینی که در این مورد بود چه باید
کرد ؟ آیا غیر از اینست که باستی قبل از هرگونه
خود نمائی ، قبل از هرگونه خوشحالی کلید اساسی را
بدست گرفت ، هرچه بیشتر بطرف توده زحمتکش رفت ؟
مسئله بدون درک این مسئله حیا تی همچنان گروه گرانها
و سکتاریسم موجود دادا مه پیدا خواهد کرد و مسلما
صفوف م.ل. ها بارها و بارها جدا گانه مورد حمله
انحصار طلبان و فاشیستها قرار خواهد گرفت ...

ادامه اول فصل تصمیم
آینده ای تابناک و تد اوم گذشته پرفروغ و پیرایشان امید -
وارود لگرم میسازند . دکتریزدی وزیر امور خارجه و یکی از
سران " انقلابی " میگوید ! آمریکا اطمینان مید هد که بنا
جمهوری اسلامی در چاقوب مصالح و مسائل دوگشور
آماده همکاری است . (اطلاعات ۵۸ / ۲ / ۳۱) در این
میان بهانه اینست که آمریکا " اظهار آمادگی داده که از
نظرات اقتصادی و رد بعضی دیگر زمینه ها حتی در مورد مسائل
نظامی هم حاضری همکاری است . " (همانجا) وزیر
انقلابی ما اگر از روی عذر و قصد نباشد ، از روی ساده لوحی
- که ما از روز اریم همینطوری هم باشد - فراموش میکند
که امپریالیستها و رراسان امپریالیسم آمریکا در سراسر
د دنیا بطور عام و در میهنمان بطور خاص همواره تحت پوشش
" همکاری " و در چاقوب مسائل و مصالح دوگشور بود که
حاکمیت شوم خود را به تمامی عرصه های حیات اجتماعی
کشور رها گسترده ، و بیرحمانه به غارت و چپاول ثروت های ملی
بهره کندی و استثمار و اسارت مادی و فرهنگی تود ها
پرداخته اند . مگرد رد و ران رژیم پهلوی امپریالیسم بنا
همین ماسکهای خوش ظاهریا نظا توده " احترام بسنه
استقلال و حاکمیت کشور ما " نبوده که شیره از جان توده های
مرد م میکید و کشور را به ویرانی کشیده و وجیبهای خود
و توگران جیره خواری را بر میگرد ؟ آقای دکتریزدی تمبفهم
کهد از پنجاسخن برسر " اظهار آمادگی " و " احترام بسنه
استقلال ... " نیست بلکه اصل مطلب ماهیت و مضمون
روابط است . امپریالیسم آمریکا از آنجاکه تا مین مناقص
انحصارات امپریالیستی را دنبال میکند و دنبال هم خواهد
کرد ، تحت هر عنوان و هر تمایل انسان د و ستانه ای که
باشد ، همواره اهدافی را ترگران و استثمار گرانه داشته
و دارد .

آیا وزیر انقلابی ما این همه وضوح واضحات را تمبفهم
و این گذشته نه چندان دور را باین سادگی فراموش کرده
است ؟ یا اینکه خود را عدا به آنراه معروف میزند ؟

باید گفت که در سایه همین فراموشکاریهاست که از
پس دهها هزار شهید و مبارزه ای سترگ و جانانه ، همنسوز
شعله های انقلاب خاموش نگشته ، هنوز خونها از خیابانها
پاک نشده ، امپریالیسم ویلند گوهاش با شهنات و اطمینان
خاطر دست به بیورش علیه انقلاب میزند و آنرا خطفه میکند
در این حال دکتریزدی وزیر خارجه انقلابی ما که همست
بسته به توجیه و تفسیر اقدامات امپریالیسم و رنگ و روغن
کاری آن مقابل قبول ساختن برای توده های مزد ازد
و به توده ها موعظه میکند که " در آمریکا قوه مقننه از قوه
جد است و چنین قطعنامه ای سیاست دولت آمریکا در برابر
دولت ایران نیست . " (همانجا) این حرف او درست
مثل اینست که گویا سربک نفر می تواند جد از بدن و دستها
و پاهاش باشد . او نمیداند و بیابهر حال نمی خواهد به
توده های اینطور نشان بد هد که مجموعه ستگا ههای قضایی
، اجرائی ، اداری و ... در آمریکا سیستم و کلیه واحدهای
رانیسازند که در خدمت تا مین منافع سرمایه داران آمری
یکاست . قوه مقننه قوانین را تصویب میکند و قوه مجریه آنرا
بس نفع سرمایه داران به اجراء میآورد . همچنانکه
مغزیک نفر تصمیم می گیرد و زبان ، پاها و دستهاش آنرا به
درمی آورند . ببینید آقای دکتریزدی بجای اینکه به
خواستهای انقلابی توده ها پاسخ گوید و کلیه قراردادهای
اسارت بار امپریالیسم را رژیم سابق فاش ساخته و
بطور قطعی لغو کند ، بجای اینکه سرمایه های امپریالیستی
را که همه در جهت بهره کندی و استثمار توده ها و فوارت و
چپاول ثروت های ملی است ، ملی اعلام کند ، بجای اینکه
جناپتهای امپریالیسم و شکنجه و کشتارهای وحشیانه
انقلابیون را توسط ساواک در مطبوعات ، راد یو تلو یزیون و
... به معرض نمایش گذارد و ... بجای اینکه توده ها را
هرچه بیشتر به امپریالیسم و عملکرد غارت گرانه ، فاشیستی و
استثمار گرانه امپریالیستی آشنا کند و آگاهی آنها را هر چه بیشتر
عمق و وسعت ببخشد ، آری بجای همه اینها بر اقدامات
جناپتکارانه و استثمار گرانه چندین ده ساله آمریکا در ایران
پرد ه میکند و " جنبش ضد آمریکایی - البته نه امپریالیستی
- را در تهران (و آنهم نه در سراسر ایران) ناشی از
روابط " حسنه " او با اسرائیل قلمداد میکند (مصاحبه با مجله
تایم) . به کالبد نیمه جان امپریالیسم جانی تازه میبخشد
و در صاحبه با هرالد تریبون اعلام امید واری می کند که هر
- چه زود تر سفر جدید امپریا که به تهران برگردد . ایسبن
مسخره کردن مبارزات توده ها و تحقیر جانیها و آرمانهای
مقدس آنهاست .

آری باید گفت که این بطور حتم باید که ریشخند
تاریخ باشد که برای چندین بار در تاریخ ایران ایسبن
چند مین با راست که این چنین بیرحمانه توده ها را به
سخنرانه میگرد ولی باید گفت که این یا حرکت تاریخ سراغ
رهبران بظا هر بیرونی زبونه ، زبونی ، ناتوانی و ... آنها
را بر ملا خواهد ساخت و از زمان توده ها بیرون زندان از نظر
مبارزات قد برخوا هند افزایش

" مستشار نظامی ، اخراج باید کرده ، صنایع وابسته ، ملی باید گردد "
" مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا "
" پیمان با امپریالیسم ، الغاباید گردد "
" پیروزی نهائی ، اخراج امریکائی "
صف عظیم خلق ، که خشمناک ، با فریاد " مرگ بر آمریکا " ، پایه زمین می گوید . رو بسوی سفارت آمریکا دارد . تا در آنجا امپریالیسم آمریکا را به محاکمه کند . و به زوزه های سنای آمریکا ، این تریبون امپریالیسم جهان خوار ، با فریاد رعد آسا ، پاسخ گوید . لیکن می داند ، که تنها تظاهرات چاره کار این غارتگران نیست . بل ، باید که امپریالیسم در تمامی مظاهرش نابود شود .

از بانکهای بیرون رود ، چنگالهای خود را از صنایع ما ، که بوسیله شرکتهای چند ملیتی ، عمده ترین وسیله عملکرد سرمایه انحصاری جهانی ، سرمایه های وابسته و مهره های خویش بر آن پنجه انداخته است ، بیرون کند . قراردادهای امپریالیستی مجاله و بدور افکنده شود . ارتش از مهره های امپریالیسم تصفیه گردد و سایه شوم آن از فرهنگ ما برگرفته شود ، و می داند که آنچه به حفظ و دوام این سلطه شوم یاری می کند . فقدان قاطعیت انقلابی ، در بر کندن ریشه های امپریالیسم ، و خفقان و سانسوری است که خلق را از آگاهی به ماهیت امپریالیسم باز میدارد .

" اسارت آزادی ، اسارت خلق ماست "
" انجمنها و شوراهای ایالتی و شهری کامی بزرگ بسوی دموکراسی می باشد "
" آزادی مطبوعات تا مین باید گردد . "
" جوخه اعدام خلق جواب ضد خلق است "
" استبداد به هر شکل محکوم است "
آری باید اقدامات انقلابی قاطع انجام گیرد .

بگذار امپریالیستها اشک تمساح بریزند . بگذار از دهان کشفیشان که تا بحال به قهقهه باز بوده است با آوای مرگ بسته شود . بگذار کسانمان تلخ گردد . دوره احتضار آنهاست . این حقیقت را نه تنها خلق ما ، بل خلق های ستمدیده سراسر جهان فریاد می زنند و خلق مادر مبارزه علیه امپریالیسم ، در کنسار آنهاست .

بگوشه ای از صف حمله میشود . یک نفر که رهبری حمله (را برعهده دارد مجهز به بیسیم ، جمع را هدایت میکند . بیج گوشتی ها و چاقوها بیرون می آید . مشت ها نیز . عینک ها به هوا می رود ، پلاکاردها پاره میشود . و از آنسو ، تنها پرهیز از برخورد و درگیری .
در گوشه و کنار ، دسته دسته به بحث می ایستند فضهای رکیک و الفاظ قبیح است که در دفاع از "دین" بر زبانها جاری میشود . چند خانم که چادر مشکی بر سر دارند . همراه با دو سه جوان سنی میکندند ای از حمله کنندگان را قانع کنند که این گونه اعمال به هر دینی لطمه میزند ، و اصولا خلاف آئینهاست است .

بیات تحریریه مبارز کیهان

درود ما را در یازدهمین روز اعتصابان ، در یازدهمین روز مقاومتان در برابر زور و قلدری بپذیرید . توطئه و بدنبال آن یورش عناصر ضد آزادی و عمال آگاه و یا نا آگاه ارتجاع به کیهان ، این روزنا مفرکبر و اشغال آن چیزی نبود که ، بخصوص بدنبال اشغال رادیو و تلویزیون و تعطیل آئیندگان ، امر غیر منتظره ای باشد در واقع ، اشتباهی سیری ناپذیر انحصار طلبان از آنجا که مرزی نمی شناسد ، جز صدا و سیمای خودش تحمل هیچ چیز و هیچ کس را ندارد .

ما ، اعمال ضد دموکراسی و غیر انسانی کسانی را که قلمها را شکسته و دهان ها را دوخته می خواهند ، محکوم کرده و اعتقاد را سخ داریم که خلق دلاور ما اجازه نخواهد داد که بار دیگر ، فاشیسم در میهن ما سایه گستر شود . خلق ما اجازه نخواهد داد که انحصار طلبان ، عناصر مؤمن به انقلاب و آزادی را که رژیم غدار شاه آنها را مدتها در زندان مورد آزار و شکنجه قرار داده و حتی کمر به قتلشان بسته بود ، تحت پوشش مردم فریب " ضدانقلاب " سرکوب نمایند . مقاومت و ایستادگی شما خود گواه این واقعیت است . این ایستادگی درسی است برای همه آنان که دل در گرو آزادی و آزادگی دارند و نمی خواهند دوباره در شرایط سالیان سیاه گذشته زندگی کنند آزادگان بیروزند . پیروزی از آن ماست .

قسمتهایی از: **قطعنامه راهپیمائی اعتراض به سنای آمریکا**

امپریالیسم آمریکا بمثابه سرکرده امپریالیستهای جهانی دشمن خونی تمام خلقهای جهان است . توده های ماطی نیم قرن گذشته بخصوص در بیست و پنج سال اخیر که زیر سلطه بی چون و چرای امپریالیسم بوده اند میدانند که مبارزه با این دشمن غدار بشريت تا چه حد برای رهایی آنها از قید ظلم و ستم اهمیت درجه اول را دارد در جریان این انقلاب هر چند نظام سلطنتی محو و نابود شد و امپریالیسم ضربات سختی خورد ، اما بدلیل این که در این انقلاب طبقه کارگر نتوانست در اس قرار گرفته و رهبری جنبش را بدست گیرد انرژی و قدرت توده ها و فشار انقلابی آنها در جهت نابودی قطعی سلطه امپریالیسم به ثمر نرسید ، بطوریکه امپریالیسم آمریکا درست به اعتبار همین موضوع توانسته است تا بحال منافع عظیمی از مجموعه منافع غیر قابل تصویری خویش را در میهن ما از خطر سیل بنیان کن انقلاب توده ها در امان نگه دارد

مادر ایستادگیا اجتماع همدا با کلیه توده های ستمدیده و مبارز خلق اعلام میداریم که :

- ۱- توطئه و جارو جنجال سنای آمریکا که در جهت تخطئه و محکومیت احکام صادره از دادگاه های انقلاب صورت گرفت فته است محکوم و مورد نفرت و انزجار خلقهای ماست .
۲- ما خواهان تحریک آمیز ناوگان آمریکا را در خلیج فارس محکوم میکنیم .
۳- ما خواهان ادامه مجازات و اعدام انقلابی سرپرستان اصلی رژیم سابق هستیم .
۴- ما خواهان ایجاد اردوگاه های کار برای کلیه عوامل باقی مانده ساواک و افراد مقصر نیروهای انتظامی و نظامی و اداری رژیم پهلوی هستیم . و معتقدیم که این عناصر تا اصلاح کامل بایستی در این اردوگاه ها به کار تولیدی و مفید توأم با آموزش انقلابی و محیط سالم و انسانی نگاهداری شوند .
۵- ما معتقدیم که توطئه های شوم امپریالیسم در دراز مدت زمانی میتواند بی اثر گردد که سلطه و نفوذ امپریالیسم بخصوص امپریالیسم آمریکا بدون تردید و تزلزل نابود گردد . بر ای تحقق بخشیدن به این امر :
الف : ما خواستار لغو کلیه قراردادهای اسارت آور سابق نفتی ، با امپریالیست ها و بستن قراردادهای جدید بر اساس منافع مردم ستمدیده ، ایران هستیم .
ب : ما خواستار معاهده و ملی کردن کلیه بانکها و شرکتهای صنعتی و بازرگانی و خدماتی و زراعی و سایر مؤسسات امپریالیستی و دلالان داخلی آنها بفتح خلق و از بین بردن تمام زمینهای وابستگی در این مورد هستیم .
ج : ما خواستار وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

سوء قصد حجت الاسلام ماشینی رفسنجانی را محکوم میکنیم!

در شرایط کنونی هر مبارز راستینی بخوبی آگاه است که انقلاب مادر نیمه راه است و پیروزی نهائی در مرحله کنونی انقلاب تنها زمانی بدست می آید که به سلطه و نفوذ امپریالیسم پایان داده شود و ارتجاع داخلی نابود گردد .

یکی از ضروریات اساسی رسیدن به این پیروزی نهائی ایجاد و حفظ همبستگی و وحدت صفوف خلق در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع است . درست بخاطر همین مهم است که تمام نیروهای مارکسیست - لنینیست و انقلابی و دموکرات خلق تلاش میکنند که وحدت و همبستگی نیروهای خلقی و یکپارچگی صفوف مردم ستمدیده را حفظ کرده و آنرا تقویت نمایند .

اما در چنین شرایطی کوششهای وسیع دیگری درست در جهت عکس هدف فوق در جریان است . این تلاشها هر چند در اشکال مختلف صورت میگیرد ، اما همه در یک محور مشترکند و آن منحرف کردن ذهن توده ها از سمت اصلی مبارزه است . این کوششها ، هدف ایجاد دنیاق در میان صفوف خلق را دنبال میکند و بر آن است که بابه بیراهه کشاندن شور و شوق انقلابی توده های ستمدیده ، آنها را از رسیدن به آزادی و استقلال کامل بازدارد ، بدین ترتیب این تلاشها جز در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار نمیگیرد .

دست زدن به ترور و اعمال خشونت و ضرب و جرح افراد ، جزئی از این تلاشهاست . سوء قصد تا سفاک گیز به حجت اسلام ماشینی رفسنجانی ، نمونه ای قبیح کوششهاست که چیزی جز آب با سیاب امپریالیسم و ارتجاع ریختن نیست تا این سوء قصد قبیل از اینکه سوء قصد به یک شخصیت باشد ، سوء قصد به منافع مردم ستمدیده ماست ، و بهمین لحاظ توده های رنج دیده ما از آن بیزارند . ما همچنانکه در قبل نیز اعلام کرده ایم اینگونه اعمال تروریستی را بشدت محکوم کرده و نسبت به بهره برداریهای فریبکارانه ای که این عمل میتواند بدنبال داشته باشد به تمام نیروهای راستین خلق هشدار میدهیم .

برقرار باد همبستگی نیروهای خلق
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵ / ۳ / ۵۸

هموطنان مبارز!
کتابهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه امرا باد جنوبی ۱۳۲۹ واریز نمایند.

تصحیح :
در شماره قبل ، در گزارش "تظاهرات سرتا سوری کردستان . . ." بجای "سلیمان معینی" نوشته شده بود "صالح شریف زاده" که بدینوسیله اصلاح میشود .

آننها را قانع شده اند اما چند قدم آنطرفتر ما چرا را از سر میگیرند . بنظر میرسد که قضیه قدری هم بابت " مشغولیات " است !!
صفحه حمله کنندگان آنقدر تحریک شده ، که حتی نصیحتهای رقیب یک روحانی نیز دردی را دوا نمیکند . سد جلوی صف تظاهرات کنندگان ضد امپریالیست شکسته نمیشود شعارها و توهین ها ادامه می یابد و کشاکش بیپهلو در جریان دارد . ناگزیر قطننا مها ، پخش میشود ، و جمعیت از هر دو سو ، پراکنده میشوند ، خسته و آزرده .
آنسوی خیابان ، روی سنگفرش ، دهان مترسک بسه خنده ای کشید ، باز شده است .

ادامه از صفحه اول
بقدری اپورتونیستیها متضخ و رسوا گشتند که امروزه هر شخص و هر نیروی که خود را "لیننیست" می نامد، نمی تواند لااقل در حرفین شعار را تأیید نکند و بر آن صحنه نگارد. از همین رو در شرایط کنونی مسئله شناسائی "حق ملل در" به تنهایی نمی تواند وجه تمایز مارکسیسم-لیننیسم و اپورتونیسیم باشد. امروز همه بظاهر طرفدار پرولیتار و اپورتونیسیم مارکسیستی مسئله ملی می باشند و با حرارت و جاروجنگال فراوان از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش دفاع می کنند. ولی آیا این بدین معناست که دیگر حد و مرز بین اپورتونیسم و مارکسیسم - لیننیسم از بین رفته است؟

اپورتونیستیها و رهیونیستیها از این شعار دم می زنند برای اینکه حرفی زده باشند. ولی بهیچوجه از شرایط تحقق واقعی آن و طبقاتی که رسالت و وظیفه انجام پیگیرانه چنین امری را بر عهده دارد، سخنی پیمان نمی آورند و صلاح خود را در این می بینند که در این باره سکوت کرده، سر در لاگ خود فرو برند. باید گفت که امروز حد فاصل بیسیمن مارکسیسم-لیننیسم از یکسو و اپورتونیسم و رهیونیسم از سوی دیگر در قبال مسئله ملی درست در همین جاست و با همین معیار می توان تشخیص داد. ادامه منطقی و پیوسته چنین روش و سیاستی را در سطر، سطر نوشته های حزب توده می توان دنبال نمود. و حال که بدینجا رسید میبایست لازم است قدری هم روی "خود مختاری" که در مورد سته کمیته مرکزی طرح می کنند، مکث نمائیم.

حزب توده چگونه از استقلال و تمامیت ارضی خود دفاع میکند؟

آنها در این باره "خود مختاری اداری و فرهنگی در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی" (مردم شماره ۱ - ص ۱) را مطرح می کنند. در اینجا سخن از خود مختاری در چارچوب تمامیت ارضی است و حتی علیه "فئودالها، زمینداران و سرسپردگان رژیم مخلوع شاه" موضع گیری شده. آنها را محکوم به تجزیه طلبی می کند. این شعار از نقطه نظر نفی تجزیه طلبی طایف، اقلیتات، نژادها، اقسام و... که سر تا سر هر چه را برای نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم لازم و اجتناب ناپذیر نموده است و کلیه نیروهای ضد امپریالیسم و بخصوص طرفداران طبقه کارگر به این امر اصرار می ورزند. اما در این شعار مسئله عمده و اصلی ای که ضامن این تمامیت ارضی است، زیرکانه و آگاهانه از نظر دور مانده و از قلم اقتضاده است. بدین معنی که آیا ما می توانیم حتی یک فئودال، زمیندار و... پیدا کنیم که در حرف مخالف تمامیت ارضی و موافق تجزیه طلبی باشیم. خیر. مسلم! چرا که در این صورت آنها نخواهند توانست در بین توده های مردم نفوذ کرده و خود را "وجیه المله" نشان دهند. آنها در این صورت نخواهند توانست از نیروی توده های مردم در جهت امیال و اهداف تجزیه طلبانه و استعمارگران خود سوا استفاده کنند.

نیروهای ارتجاعی در حرف طرفداران و آتشه تمامیت ارضی می باشند ولی این امر بهیچوجه ماهیت تجزیه طلبانه آنها را نمی کند و واضح است که شعار خود مختاری در چارچوب تمامیت ارضی به تنهایی نمیتواند متضمن و منعکس کننده واقعی موضوع باشد. در اینجا این سوال پیش می آید که چگونه می توان به این مسئله پاسخ عملی داد. چیزی که فئودالها و زمینداران بزرگ از آن عاجزند و این امر تعیین کننده زمین است. تنها شعار خود مختاری همراه با ارائه راه حل مسئله ارضی و بسیج دهقانان در مقابل زمینداران است که می تواند توده ها را از زنجیر تلاشهای توطئه گرانه و نغمه سازی های خوش الحان فئودالها و... رهایی دهد ضمن اینکه بطور واقعی تمامیت ارضی را نیز تأمین کند. باری به اصل موضوع برگردیم.

خود مختاری آری، ولی از چه نوع؟

مارکسیست - لیننیستها شعار خود مختاری را برای این مطرح می کنند که بتوانند ملیتهای ایران را بصورت ملت کاملی قوام دهد تا آنها بتوانند سرزمین های مسکون خود را به واحد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی که ملت مفروضی را احاطه می کند یگانه کلید حل این مسئله است که چگونه این یا آن ملت باید زندگی خود را ترتیب دهد و تشکیلات آینده آن چه شکلهایی باید بخود بگیرد. بدین ترتیب ممکن است که در مورد هرملتی راه حل مخصوصی برای این مسئله لازم آید. (استالین - ملیسم ص ۱۷)

آنها معتقدند که تنها تحت این شرایط است که می توان ستم ملی را - و واقعی و قطعی برانداخت، و بطور مکرر در مکرر تفاوت این خود مختاری را با انواع خود مختاریهایی که از سوی بورژوازی، خرده بورژوازی و فئودالها و... پیش کشیده میشود، متذکر می دهند. چرا که این نوع خود مختاریها همه و همه در جهت انکار موجودیت ملی خلقها، ادامه سیاست شوونیستی سابق و... می باشد. آنها اینکار را میکنند تا ذهن توده ها را روشن سازند چرا که چنانچه میدانیم تمامی طبقات از شعار "خود مختاری" دفاع میکنند ولی آیا این امر تفاوتی اساسی و اصلی این شعارها را میتوانند کتمان کند؟ آیا اطلاق لفظ مشترك "خود مختاری" می تواند بر ماهیت طبقاتی متفاوت و متضادی که این شعارها دارند و در پشت

حزب توده مسئله ملی

آن اهداف و منافع طبقاتی گوناگونی دنبال میشود. پرسه افکنند؟ واقعیت این است که خیر. اما حزب توده خود را بجهت خود مختاری اداری و فرهنگی دلخوش میکند. او بر روشی شرایط ویژه زندگی هر ملیت مستقل و جداگانه را که همه در ایران زندگی می کنند، از یاری می برد. او همچنین فراموش میکند تفاوت محتوی و ماهیت خود مختاری از دیدگاه طبقه کارگر را با دیگر طبقات شرح دهد. آیا علمش فراموشی آنهاست؟ روش سیاست روزمره و تبلیغ و ترویجی که حزب توده در باره مسئله ملی میکند بوضوح نشان میدهد که او فراموشی نمی کند بلکه به عمد از قلم می اندازد. آنها فقط و فقط برای "غنیان" خود مختاری که تمام طبقات و حتی "صاحبان قدرت" نیز آنرا قبول دارند، "مبارزه" میکند، نه برای محتوی و اصل آن. بهتر است به جملات زیرین نظری بیاندازیم تا روشن شود که آنها چنین کاری را می کنند و حتی با چنان روح چاکر پیشگی و صدقه خواهی در برابر صاحبان قدرت کرشمی می کنند و بجهت شکل گرفتن خود مختاری، اقدامات آنان را تایید می نمایند. "باید خاطر نشان ساخت که مسئله تأمین حقوق سلب شده و نقلهای کشور ما مد نظر رهبران انقلاب پیروز مردم... قرار دارد. شخصیت های سیاسی واقع بین انقلاب نیز در همین باره در بیانیه شان (مردم شماره ۴، ص ۵) این موضوع بگفته اند." و با اعلان نظر دولت مبنی بر قبول خود مختاری برای ملیت ها و... (مردم شماره ۵، ص ۲) همه اینها نشان میدهد که اینان برای چه نوع خود مختاری تلاش میکنند و سنگ چه چیزی را به سینه می زنند. ما در شماره های قبسل درباره ماهیت و محتوی واقعی این نوع خود مختاری ها که مکرر در مکرر توده داده میشود سخن رانده و نشان داده ایم که چگونه همه این شعارها در جهت فریب توده ها و لاجرم ادامه سیاست شوونیستی می باشد. تحلیل شرایط ویژه هر یک از ملیتهای ایران و تعیین شعار مناسب و منطبق بر این شرایط را باید خاص جهت به حرکت در آوردن هر چه وسیعتر توده ها، آموزش سیاسی آنها و جلوگیری از نفوذ فئودالها، زمینداران و روسای مرتجع عشایر و ااقشاء و طرف مدام آنها، آنچیزی است که نیروهای مردمی می بایستی انجام دهند. و این درست همان موردی است که توسط حزب توده از قلم می افتند و در مورد شکوت اختیاری میکنند. آنها هیچ تحلیل مشخصی از خلقهای ایران و شرایط خاص که هر یک از اینها دارند و ارائه نمی دهند و نمی توانند هم بدهند. چرا که آنها درست یا جای پای صاحب منصبان می گذارند و نان به نرخ روز میخورند و آنها تنها زمانی حرف میزنند که شرایط ناچارشان می سازد. به عنوان مثال از خود مختاری کردستان البته با همسان محتوی معلوم الحال اش حرف میزنند چرا که شرایط چنین ایجاب میکند ولی به هیچ وجه حرفی از بلخ، عرب و سایر خلقها نمی زنند.

سکوت خانانه و همگامی با صاحبان قدرت

در روزی هر چند اجمالی بیرونی و سیاست روزمره حزب توده در قبال مسئله ملی، آنچیزی که به طرز برجسته ای نمایان میشود و خود را از ایالاتی موضع گیریهای آنان نشان میدهد. تلاش مذ بوحانه ایست که بکار میبرند تا آنجا که بتوانند در این مورد نیز همانند سایر موارد موضوع را با سکوت برگزاکند. آرام آرام و مود یا ناهمکارانه رد شد و هر گریبان خود را زیر خورد جدی و انقلابی بی و خلاصی دهند. آنها زیرکانه و آگاهانه نایکبار می کنند تا از

یکطرف محض خالی نبودن عرضه موضعی گرفته باشند (در سطور بعدی توضیح بیشتری خواهیم داد) و از طرف دیگر برای اجتناب از طرح واقعی موضوع که میتواند سبب آزدگسی خاطر صاحبان قدرت شود، حتی حرفی هم از اصل مطلب بر زبان نمی آورند. بدین معنی که در شرایطی که حوادث کردستان و گنبد بایرسنگی تمام در سطح کشور مطرح بود و محور تمامی بحثها و گفتگوهای توده ها گشته بود، در زمانی که سرفقاله کلیه نشریات و حتی نشریات خود بورژوازی و جناحهای رادیکال بورژوازی رابرسی حوادث کردستان و گنبد

حزب توده فقط و فقط برای عنوان خود مختاری که تمام طبقات و صاحبان قدرت نیز آنرا قبول دارند، مبارزه میکند، نه برای تئوی و اصل آن.

سکوت در برابر توطئه های صاحبان قدرت، بمخاطب خوش خدمتی در مقابل سیستم حکومتی حیات است بر طبق.

تشکیل میداد، حزب توده ه چشمان خود رابرویی واقعیات بسته و در مورد چگونگی پیدایش این حوادث، وضع و خصوصیات نیروهای که در این مناطق عمل میکنند، نقش و موضع دولت در این حوادث و... معنی واقعی اقلیت از لب نمیشکایتند و صلاح خود را این می بینند که هیچ حرفی نزنند. و درست در اینجاست که پهلوها پنبه های لافزن که فضل فروشی و تمجید از خود، کار روزمره شان شده، دستشان رو می شود و درست در اینجاست که چهره و ماهیت واقعی ایشان که بنا در از گویی های روشن فکرانه با دشمن بد رنگ می اندازند که ما "همواره از جنبش های ملی ایران و از جمله جنبش کرد با تمام قوا حمایت کرد و می کنیم" و "حزب توده نخستین و تنها حزب سراسری ایران است که به طور پیگیرانه زحق تعیین سرنوشت خلقی... حمایت کرده و حمایت میکند." و بطور واضح و به نحو آشکاری معلوم می شود.

آری جریان واقعی زندگی در عمل نشان می دهد که چگونه این حامیان "سرسختان" جنبشهای ملی، از ترس آزرده خاطر گشتن صاحبان قدرت بطاهر جلب نظر لطف و مرحمت آنها برای حتی جنبش های ملی رابفا روشنی می سپارند و تعیین سرنوشت خلقها را نه بدست خود، آنطور که ادعا میکنند بلکه بدست عناصر ارتجاعی که امروزه لباس انقلاب متن کرده اند و نفوذ اجتماعی می دهند. از جنایات ارتش حرفی نمی زنند و... حتی بشهرمان نبر آنگه توده هم رافرب می دهند و طوری واقف و میکنند که گویا دیگر مسئله ملی حل شده "مردم مبارز سنندج به اتکاء خلق کرد همه مردم ایران حادثه انقلابی را به سرچای خود نشاندند و بر مبنای طد لانه ای که مضمضن عمده ترین خواست خلق کرد است بآیت اله طالقانی به توافق رسیدند" (مردم ص ۳، ص ۱) و "خوشبختانه مبارزین کرد با هوشیاری و فداکاری تمام این دست طغنه راد رهسب شکستند و موفق شدند... به توافقی دست یابند که از بسیاری جهات جنبه تاریخی دارد" (هما نجا) پس باید این پیروزی نوبین انقلاب راد رکورد ستان که توانسته است مسئله مهم و معضل را حل کند که همه تبریک گفت و جشن گرفت." به این تعهد قطعی و روشن چیز زیادی نمی توان اضافه نمود. ماه همه مبارزین انقلابی و پیروزه آیت اله طالقانی و آیت اله عزت الدین حسینیه که توانسته اند بر سر این مسائل اساسی به توافق برسند تبریک میگویم." (هما نجا). در حالیکه همه میدانیم که این توافق چیزی نبود جز تلاش از جانب سیستم حکومتی برای آرام نمودن ناوضاع و تثبیت موقعیت خود. و با هر هم دستهای ناپاک در کردستان در کارند، فئودالها ترکتازی میکنند و کمیته های انقلاب هم که "تحقق آرمانهای خلق کرد را تضمین کرده اند" در زرد یکی ارگانیک و در اتحادی مستحکم با فئودالها در از روزگار خلق کرد میکنند.

در اینجاست که "حمایت پیگیرانه زحق تعیین سرنوشت خلقی" در حرف جای خود را به حمایت پیگیرانه از یک صاحب امتیاز و اداری قدرت داده است. "حمایت با تمام قوا از جنبش های ملی" جای خود را به تخلف با تمام قوا از جنبش های ملی عوض میکند!

البته تعجب نکنید روزنامه های مردم ارگان مرکزی این حضرات را بردارید، ورق بزنید و آنرا با سایر روزنامه های که در این مدت منتشر شده، حتی اجمالی مقایسه ای بکنید تا واقعیت هر چه عریان تر روشن گردد. در طول یکماه از واسط اسفند ماه به بعد تقریباً اکثریت مطالب روزنامه ها نشریات و اعلامیه های نیروهای انقلابی را شرح و بررسی حوادث کردستان و گنبد اشغال میکنند، در حالیکه در این مدت حزب توده یک مقاله هم راجع به بررسی مشروح و مستند حوادث، و نقش نیروهای موجود در آن موضع دولت در قبال این حوادث بیرون نداد و است او تازه آن موضع گیریهای نیم بند و وپهلوی بی هم که است از روی ناچار بیرونی کاغذ آورده اند و تعداد

نمونه‌ای دیگر از کتاب سوزان آدم در دوران انقلاب؟

روز جمعه ۵۸/۳/۴ عده‌ای افراد مارکدار و شناخته شده در شهر به تظاهرات پرداخته و به کتابفروشی‌ها حمله کردند و تمام کتابها را بیرون ریخته و آنها را آتش زدند که باعث خسارات فراوان شد. البته هدف اصلی کتابفروشی‌ها این بود که کتابهای کمونیستی به فروش می‌رسانند. در این حمله به کتابفروشی‌ها افراد فرسوده و مرده‌ی ضرب و شتم این افراد قرار گرفتند و شمشیر شدند. بعد از این واقعه عده‌ی زیادی از مردم خم‌آباد به اتفاق کتابفروشی‌ها به عنوان اعتراض به این اعمال ضد مردمی باستانداری رفتند که از طرف استنادار جواب درستی به آنها داده نشد و

استنادار اعلام کرد که در قبال این اعمال و تأمین جانی مردم مسئولیتی ندارد. روز شنبه ۵۸/۳/۵ کتابفروشی‌ها تصمیم دارند حدود ساعت چهار بعد از ظهر بروند استناداری و با استنادار صحبت کنند تا موضوع استنادار در مقابل این افراد و این گونه اعمال مشخص شود. تا اگر استنادار مسئولیتی قبول نمی‌کند مردم خودشان تکلیفشان را با این قبیل افراد روشن کنند. البته قبلاً هم این افراد مارکدار دست به چنین اعمالی زده بودند و با اعلامیه، تلفن و یا شافها همیشه این افراد را مورد تهدید قرار می‌دادند.

“بوکان” جمیعت دفاع از زحمتکاران و حقوق ملی تفاتی به بیان کرد

مرکزی منطقه وسیعی است که در غرب ارومیه واقع شده که از چندین روستای بزرگ و کوچک تشکیل شده است و در این منطقه دامداری و کشاورزی بصورت ابتدایی باقی مانده. بجز مالکین و دهقانان مرفه که از وسایل تقریباً مدرن برای کشت و زرع استفاده می‌کنند در مرکز بعلت اینکه روابط فئودالی و عشیرتی حتی بعد از اصلاحات ارضی باقی مانده است. دهقانان بصورت‌های گوناگون تحت فشار فئودالها که اکثرشان دست‌نشانده رژیم سابق بودند قرار دارند، بگفته اهالی این منطقه فئودالها حتی از دایر شدن مدارس جلو گیری می‌کنند و بدلیل فئودال عشیره‌ای، آگاهی روستائیان در سطح بسیار پایین قرار گرفته. فئودالها هر وقت بخواهند به غارت روستائیان می‌پردازند. بعد از قیام سلحشانه (۲۲ و ۲۳ بهمن ایران) شکست آخرین نهاد های رژیم سلسله پهلوی فئودالها و عشایر مرکز به خلع سلاح اکثر پادسگاهها پرداخته که بیشتر مهمات و اسلحه نصیب آنان میشو. دو بوسیله آن خود را آماده می‌کنند. دهات مرکز از ۴۰ روز پیش مورد هجوم فئودالها قرار گرفته و از ۶۱ روستای این منطقه تا بحال حدود ۳۵ روستا غارت شده‌اند. که در زیر به بعضی از دهات غارت شده اشاره میشود:

- ۱- رود - "حوزی" که در فاصله ۳۰ کیلومتری ارومیه قرار گرفته و ۳۷ خانوار در این محل سکنی گزیده‌اند که ۶ خانوار آن فئودال هستند که عبارتند از "حاجی خالد"، سلیمان و فتح و محمد و عبدالله و خلیل دشتی، و به گفته یکی از اهالی حدود ۴۰ روز پیش آنان مورد حمله قرار گرفته‌اند. البته قبل از بیرون کردن، ارباب از آنها جریمه نقدی (به مقدار ۱۵۰۰۰ تومان از هر خانوار) و اسلحه خواسته که روستائیان بعلت فقر مادی و ناخوش بودن خواست های ارباب نتوانستند از عهده خواسته‌ها بپردازند و منجر به اختلاف شدید بین ارباب و دهقانان میگردد که در این جریان ۳ نفر از دهقانان با اسلحه فرار کرده و به دنبال آنان ۶ خانوار دیگر بعد از چند روز مقاومت بدلیل تقویت اربابهای ده از طرف (حسن خان دشتی و علیخان دشتی) که از اربابهای اطراف بودند مجبور به ترک کاشانه خود میشوند و جیسا تا بحال ۷ خانوار از این ده بیرون رانده شده که ارباب بعد از بیرون کردن آنها مبادرت به شکستن در و پنجره خانه‌ها می‌کنند.

- ۲- روستاهای "هاشم آباد" که در ۳۵ کیلومتری ارومیه قرار گرفته و در این ده حدود ۱۰۰ خانوار زندگی میکنند که از آنها تا حال ۳۳ خانوار بوسیله عادل بیگ و حاجی جمیل که ارباب ده هستند بیرون رانده شده‌اند. البته قبل از بیرون کردن نشان روستائیان برای اینکه بتوانند در ده بمانند به خریدن یک ماشین جیب برای ارباب که قبلاً از آنان خواسته بود مبادرت می‌ورزند و ارباب به این هم قانع نمیشود. و به بیرون کردن نشان می‌پردازد که با مقاومت روستائیان مواجه میشود ولی بدلیل اینکه اربابها بوسیله اربابان اطراف تقویت میشوند روستائیان ناچار به ترک ده میشوند. روستائیان می‌گویند که ما حاضریم حتی زمینها را به ارباب بدهیم به شرط اینکه اربابها بگذارند ما در خانه‌های خود باشیم ولی با رضی نیستند.
- ۳- روستای "سی گرگان" که در سی کیلومتری ارومیه قرار گرفته که ۶ خانوار زارع بوسیله ارباب از ده بیرون رانده شده‌اند.
- ۴- روستای "دستگر" که ۶۰ خانوار در آن زندگی میکنند و اربابها عبارتند از: "حاجی پیرکو" و "حاجی جوهر" که ۱۱ خانوار آن از ده رانده شده که ۲ خانوار در زیوه و بقیه در دهات دیگر پیش اقوام خودشان رفته‌اند.
- ۵- روستای "سیده سر" که ۶ خانوار در آن زندگی میکنند از این ۶ خانوار ۲ خانوار ارباب و بقیه یعنی ۴ خانوار دیگر بوسیله اربابها از ده بیرون رانده شده و حتی خانه آنها به آتش کشیده شده است. اربابها عبارتند از: محمد لیل و محمد فهیم.
- ۶- روستای "بدره شیب" که تا بحال چند خانوار از آن بیرون رانده شده و یکی از اهالی آنجا بدلیل آنکه اعلامیه به آنجا برد میری مردم ده خوانند بوسیله ارباب مورد تهدید قرار گرفته. دهات دیگری بوسیله ارباب مورد تهدید و بعد هجوم قرار گرفته‌اند عبارتند از: شه قل قا، و سه گیره، نه وی، البته اکثر روستائیان که بوسیله ارباب بیرون رانده شده‌اند در شهرک زیوه که قبل از آوارگان کرد بیرون عراق بودند هستند در آنجا اکثر خانه‌های روستایی بدن در و پنجره هستند و نیز برای تهیه نان و سایر مواد غذایی مجبورند به ارومیه یا دهات دیگر بروند.
- تذکر اینکه اکثر زمینهایی را که ارباب از دهقانان گرفته شخم زده بودند و زمینهایی را که گندم و یا جو در آن کاشته بودند، ارباب دامهای خود را برای چرا به آنجا فرستاده و اربابهای ده دیگر که بیشتر مردم را تحت فشار قرار میدهند عبارتند از: حاجی سامی، رشید بیگ، که حاجی سامی چندی پیش یکی از روستائیان را خفه کرده بود.

بانه مردم روستائیان توابع رودسر

حال که انقلاب عظیم ایران با نثار خون هزاران شهید به پیروزی بزرگی دست یافته است و برای نخستین بار در ایران بهار آزادی فرا رسیده، حال که کلیه زحمتکاران ایران در طلوع آزادی به سوی برابری و برادری و احیای مقام والای انسانیت گام برمی‌دارند، حال که مردم برخاسته‌اند تا حکومت زورگویان و خودکامگان را به زیاله دانی تاریخ بسپارند و صداقت و مساوات و یکرنگی را بجای آن جایگزین کنند، مساوات و کثرت و کثرت روستاهای با زمین، لاتسک، کرباسرا و ترشکوه از توابع رحیم آباد شهرستان رودسر که از زحمتکارترین و محرومترین اقدار این مملکت هستیم همستگی خود را با کلیه کشاورزان و کارگران و دیگر زحمتکاران کشور اعلام نموده و هرگونه توطئه و نفاق افکنی از جانب ضد انقلابیون را محکوم کرده و هم چنین برای نگهداری از دستاوردهای انقلاب و تسهیل و همبختی در انقلاب اقدام به تشکیل شوراها و دهقانی نموده ایم. تا بدین وسیله وظیفه خویش را در توسعه و عمران روستاها و مملکت همگام با سایر نیروها انجام دهیم. و خواسته‌های خود را به شرح زیر اعلام می‌داریم:

- ۱- کلیه عوامی که در نابودی کشاورزی ما نقش داشته‌اند در دادگاه‌های انقلابی محاکمه شوند.
- ۲- ما خواهان افزایش بهای برگ سبز چای با توجه به هزینه عوامل تولید هستیم.
- ۳- لغو با خرید اقساط چکهای مربوط به اطلاعات ارضی و لغو بدهی‌های کشاورزان به اداره جنگلبانی و شرکتهای تعاونی.
- ۴- تأمین بهداشت و درمان و آموزش رایگان سنا سطح متوسط و همچنین تأمین آب سالم و برق برای روستاها.
- ۵- جلوگیری از ورود مرکبات و برنج و چای خارجی در جهت کمک به محصولات داخلی و خرید به موقع و بسا ترخهای مناسب محصولات کشاورزی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها تا هم بر ما اجاف نگرند و هم با قیمت متناسب بدست هومطان عزیزمان برسند.
- ۶- تقسیم اراضی بسیه ای انقلابی.
- ۷- سوم دفع آفات مرکبات و برنجزارها به موقع و به اندازه کافی در اختیار روستائیان قرار گیرد.
- ۸- وسایل و تکنولوژی کشاورزی در اختیار روستائیان دهقانان قرار داده شود.
- ۹- در پایان ما خواستار به رسمیت شناختن شورای ده خودمان از طرف دولت انقلاب هستیم.

شان در مجموع از ۳ مورد فراتر نمی‌رود در جهت تأیید کامل صاحبان قدرت، توجیه و قابل قبول ساختن سیاستهای نیم بند سیستم حکومتی برای توده‌ها، تأیید و تکرار طوطی وار وعده و وعیدهای معلوم الحالی که از طرف دولت داده میشود و خلاصه دعوت آنها به آرایش نه از موضع انقلابی بلکه در واقع عقب نشینی از خواسته‌های خود میباشد. در مورد حوادث کردستان که بعد تنها مهترین موضوع سیاسی روز بود آنها تنها دو مقاله، تحت عناوین غیرواضح و فریب دهنده "خلق کرد سر نوشت خود را به دست می‌گیرد" و "پیروزی نوین انقلاب در کردستان" در مردم‌های شماره ۱۰۳ آورده‌اند که نهنه‌ها هیچ اشاره‌ای به علل واقعی حوادث خونین کردستان و بخصوص نقش دولت در قبال این حوادث و... نشده، بلکه به عکس با حمله پر از بی‌اقلطی‌هایی که خاص سیاستمداران بورژوازی و ویژه همه ریزبونیست‌ها و اپورتونیست‌ها است به تملق و خوش خدمتی در مقابل سیستم حکومتی و فریب و تشکیب توده‌ها پرداخته‌اند. در مورد گنبد و رضی از این هم بد تراست چرا که در امر مسکوت گذاردن و تحریف و اغیبات و تأکید و تمجید سیستم، به رکورد جدیدی دست یافته‌اند ماد ریزی کم و کاست تمام آنچه را که حزب توده نسبت به حوادث گنبد عنوان نموده می‌آوریم تا بر چهره روشن تر ماهیت و محتوای تبلیغ و ترویجی که آنها از سبیل سیاسی برای توده‌ها می‌کنند، معلوم شود. البته بگذریم از اینکه این مقاله سازشکارانه تر، نمرتروالی را برای تراحتی موضع خود سیستم حکومتی و تأیید و تقویت حوادث برخورد کرده و از اقدامات ضد خلقی و فاشیستی کمیته‌ها انتقاد نموده است. می‌باشد روح چاکرمنشی و تملق‌گویی سراسر متن را فرار گرفته تا آنجا که بررسی اصل و واقعیت موضوع و دفاع از حقوق خلقها جای خود را به تأیید و توجیه دولت و سرهم بندی قضایا داده است و طبق معمول در وپهلوی میهم نوشته شده، طوری که نه باعث خشم و غضب صاحبان زور و زورنه تفروا نجزارتوده‌های کم اطلاع کرد و... ما بهترین اینم خود نوشته را بی هیچ گونه برخوردی از آنجا که خود نشانگر واقعیت است که ما می‌خواهیم بگوئیم، بیاوریم. آفتاب آمد دلیل آفتاب.

پایان سخن

در اعلامیه کمیته مرکزی تحت عنوان (تحلیلی از وضع انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما) چنین آمده است "رهبری پیگیری، قاطع و آشتی‌ناپذیر آیتاله خمینی در راه ریشه‌کن ساختن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیستی". وقتی آنها اینچنین آشکار به تحریف عمومی ابتدائی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم می‌پردازند و بوسیله به رهبران خرد بورژوازی مرفه و سنتی، آنها را در کشوری که مناسبات سرمایه‌داری حاکم بوده و بقول خودشان بیش از ۶ میلیون (طبقه کارگر و متحدین کنونی - کیانوری) کارگر در طبقه جامعه خود دارد، چنین عنوانی را می‌دهند مجبوریم قبول کنیم که کلیه وظایفی را که طبقه کارگر در انقلاب در مبارزه پیش رو دارد، در چهارچوب نظام فعلی قابل حل است. و لاجرم دولت فعلی میتواند حقوق ملی خلق‌ها را تأمین کند. در این حالت ما ناچاریم که در برابر واقعیات چشم فرو بندیم و لب‌از لب نگاه کنیم. ذهن توده‌ها را مغشوش سازیم و همگام و همصد با صاحبان قدرت به تخطئه جنبش‌های ملی پرداخته، طوطی وار به تکرار گفته‌های آنان بپردازیم. والحق که حزب توده در این باره سنگ تمام می‌گذارد. آنان شبانه روز کوشش میکنند و عرق میریزند تا خوش خدمتی و لیاقت خود را برای دریافت صدقه از دست پاک صاحبان قدرت به ثبوت رسانند. آری چاکرماهی و گدائی امتیازات دولتی، کار را با آنجا کشانیده است که آنها براحقی و با غرور و افتخار اصول اعتقادی را که بنیان میبایند تحریف میکنند و آنرا بصورتی در می‌آورند که برای بورژوازی، خرد بورژوازی و صاحبان قدرت قابل قبول باشد. آنها تمام قدرت و نیروی خود را بکار می‌برند تا کاری نکنند که خاطر در زنده‌مان را از زنده‌ها نسازند و بهمین جهت بختری از مارکسیسم - لنینیسم دور گشته‌اند و در منجانب خبیانت در غلطیدمانند که حتی کمتر از خود بورژوازی و خود صاحب قدرتها از آنها انتقاد میکنند.

اخبار و مسابقات کارگری

اخراج کارگران سد کارون مسجد سلیمان

شرکت سامرین بار ۲۱۲ تن از کارگران را اخراج نمود و این در حالی است که بیکاری در سطح کشور بیداد می کند و هر روز ابعاد گسترده تری می یابد .
این شرکت فرانسوی که پیمانکار سد کارون (مسجد سلیمان) بوده و از حدود ۱۰ سال پیش شروع بکار کرده است ، در ابتدا تعداد نسبتا زیادی کارگر داشت و ولی با رسیدن به مراحل پایانی کار سد ، کارگران را بتدریج بیرون می کند .
اخراج کارگران بخصوص در جریان اعتراضات و قیام اچ گرفت ، بطوریکه بعد از قیام بیش از ۲۳۰ کارگر باقی مانده بود .
کارگران قبل از قیام ، با حداقل مزایا اخراج می شدند .
مثلا کارگران تا سه سال سابقه را با سالی ۱۲ روز و بقیه را با

سالی ۳ روز حقوق و مزایا محاسبه و اخراج میکردند ، که چون این اخراجها بصورت دسته های کوچک بود ، وضمن سرور کار کارگر در صورت حق طلبی یا ساوک و . . . می افتاد ، اعتراضات بسه جایی نمی رسید .
علیرغم قول و قرارهای شرکت مبنی بر اینکه کارگران باقی مانده را از اخراج نخواستند کرد ، شرکت تصمیم میگرفت که کاررا تعطیل کند و در سه نوبت : ۲۹ / ۱۲ / ۲۰ ، ۲۳ / ۲ / ۵۸ و بالاخره در ۲۳ / ۲ / ۵۸ کارگران را اخراج و بسه ازاء یکماه حقوق در برابر هر سال سابقه کارگران را بتصفیه حساب فرا می خواند .
که البته کارگران قبول نکرده و خواستار سالی سه ماه حقوق هستند .
از عید به اینطرف کارگران بارها از طریق نامه نگاری و فرستادن نماینده ، به شکایت برخاسته اند و چندین بار در مقابل اداره کار مسجد سلیمان اجتماع کرده و با نمایندگانی بسه

راهپیمایی کارگران پیکار نوشته تک کارگر

گزارشی که در زیر میخوانید توسط یکی از کارگران بیکارمه یاد نوشته شده و بدست ما رسیده است. صفای سادگی نوشته ما را بر آن داشت که بدون تغییر در جمله بندیهایش، بخشی از آن را عینا نقل کنیم.

در روز ۲۷ / ۲ / ۵۸ بدواز سه روز که در کلوب تربیت بدنی جمع می شدیم، هر روز تعداد کارگران افزوده می شد، که پرستاشه های صندوق بیکاری را به ما دادند.
۹۵٪ کارگران دفترچه بیمه ندارند و بیمه نامه آنها تعلق نمیگیرد و کارگری که خانوار هست نفری دارد بد ۷۰۰ یا ۹۰۰ تومان چهار میتوانست بکند ؟ کارگران اعتراض داشتند و به همین دلیل تصمیم گرفته شده به فرمانداری برویم و فرماندار را بگرییم تا حقوق یا بدبابت دیگروام به همه ما پرداخت شود در بین راه شعارهایی که از طرف کارگران داده میشد شرح زیر بود .
کارگران بیکارند - همه ما گریه میخوانند . دولت باید کار بدهد - به وضع ما رسیدگی کند . کارگر بزرگ ، زحمتکش دهنده شهر ، ثروت بیول را دستنخ شما ، سرما به دار خونخواه اراست ، می مکد خون فقیران را ، میخورد خون بیچاره ها را کارگر بزرگ ، زحمتکش دهنده شهر ، روشنفکر آگاه ، همه با هم برویم ، جلو تر از این برویم ، بایک کارگران ، باداش تبریزگران ، با قدرت روشنفکران ، پاره می کنیم جگر خونخواران .
در سالن شهرداری و دفاتر اطراف اداره کار با بی آمده بودند . آنها میگفتند که " شما نمیدانید که خوش نشین دهلند شده امده شهروید و بخواد حق کارگر شهری را بگیرد " و با این ترتیب می خواستند بین کارگرو سواتی کارگرو شهری اختلاف بینا ندانند . تا اسوال کردیم مگر انقلاب نشده ؟ جواب دادند چرا گفتیم خوب ما این ترتیب دولت موظف است که حق کارگرا را چه روستائی و چه شهری بدهد . بی باست زمین های دوات را دست زمینداران بیرون آورده و بدخوش نشین ها برگرداند تا با این ترتیب آن کارگرو سواتی مجبور نشود به شهر آمده و بیولی از جناحی بیخواهد .

سرمایه داران فراری توطئه می چینه

اخیرا " سرمایه داران وابسته فراری ، جهت هماهنگ نمودن مقاصد ضد انقلابی خود در مورد کارخانه ها و سرمایه ها - بی که در ایران دارند ، در پاریس جلسه ای ترتیب میدهند . در این جلسه سرمایه داران جنتا پیکاری از قبیل علی رضائی ، خیامی ، ارجمند و . . . شرکت داشته اند .
در همین رابطه یکی از همین سرمایه داران فراری ، از بران کارخانه اش در ایران ، درخواست کرد دست کالیست کمپانیهای را که به ایران مواد اولیه وارد می کنند ، برایش فرستاد بشود . تا از طریق بند و بست با کمپانیهای ذریط جلو ورود مواد اولیه را گرفته و با اقل قیمت های آن را افزایش دهند . اینکه در سال جاری قیمت مواد اولیه بیش از ۵۰٪ - بود چه کارخانه ها را به خود تخصیص میدهد ، گویای همین امر است .

خسبری از اهواز

نیروگاه رامین در ۳۰ کیلومتری اهواز بین مسجد سلیمان و اهواز قرار دارد . این نیروگاه بزرگ شامل ۶ واحد میباشد که بوسیله پیمانکاری روسی ساخته میشود . کارفرمای اصلی آن هم ، روسی است بنام مهندس زیمسکی . از روز شنبسته ۲۲ / ۲ / ۵۸ حدود ۷۰۰ کارگر دست باعصاب زد هاند . خواسته های آنها در حد افزایش حقوق ، مدت مرخصی سالیانه و حق اولاد میباشد . شنبه شب را این کارگران در نیروگاه گذراندند و هیچکس را هم بداخل نیروگاه راه نمیدهند . مثلا یکشنبه ۲۳ / ۲ / ۵۸ مهندسین و تکنیسین های توانیر را به نیروگاه راه ندادند . فرماندار هم یکشنبه بتاجا رفته است ولی توطئه نتیجه عملی گرفته نشده است . مهندس زیمسکی هم در روز به نیروگاه رفت و رفتار بدی با کارگران داشته است (همانطوریکه از یک رویو بیونیست انتظار میروید) . کارگران تصمیم دارند یکشنبه بطرف استانداری راهپیمائی کنند .

من یک کارگرم!

برای خلم کردن صفوف انقلاب برگز توطئه و دروغ پر دانی فاشیتها را فاش کنیم
ناهای که اکنون پیش روی شماست ، توسط یکی از کارگران قهرمان ذوب آهن اصفهان نوشته شده و سپس توسط " دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر " تکثیر و در سطح محدودی پخش شده است . با توجه بسه محتوای آن و روح انقلابی که از کلمه به کلمه متن نامه تجلی یافته است ، درج تام و تمام آن را در اینجا آموزده می دانیم .
من یک کارگرم
ورسوا میکنم دانشجویان اصفهانی دانشکده علم و صنعت را ، حقایق را افشاء میکنم و از سرگرد تری نسی ندارم !
جانم را فدای مبارزان واقعی میبندم خواه نمود !
اخیرا گروهی که خود را دانشجویان مسلمان اصفهانی دانشکده علم و صنعت معرفی کرده اند مطالبی دور از حقیقت و تحریف آمیز در مورد حوادث اصفهان انتشار داده اند تا از احساسات پاک مذهبی مردم سوء استفاده نمایند . اینها سعی کرده اند بایک تیر دوشان بزیند یکی بدنام کردن مهندسان ، تکنیسینها و کارگران مبارز ذوب آهن و دیگری بدنام کردن فدائیان خلق و گروه های انقلابی دیگر از حادثه یولاد شهر ، واحد مسکونی ذوب آهن اصفهان آغاز میکنم که هیچ کس از واقعت آن اطلاع نداشت و رادیو و تلویزیون سانسوری و دروغ پردازان اصفهان بیاری و مدد گروهی تا دانشجویان اصفهانی علم و صنعت دست بسه دست هم داده اند تا بحال واهی خود میهن پرستان را توطئه گر بحساب آورند . که این مسئله در اعلامیه هایمان منعکس شد . اما واقعت را فقط ما کارگران ذوب آهن و ساکنین یولاد شهر می توانیم بگوئیم نه آن دانشجویان مسلمان نثائی که از فاصله ۵۰۰ کیلومتری به دروغ پردازی دست میزنند .
مهندس رحمانی یکی از معدود مهندسان مبارز انقلابی ذوب آهن بود که با توجه به عقایدش یعنی اعتقاد بسه انقلابی ترین طبقه بودن کارگران از مدت ها پیش زیر نظر بود ، و سرانجام در تاریخ ۲۸ / ۵۸ چند نفر مسلح از جبه یک زن از سوی کمیته امام اصفهان جهت سوء قصد یا دستگیری نا مبرده به منزلش حمله ور میشوند و ابتدازن مسلح بسه بهانه های او مراجعه میکنند . وقتی مهندس رحمانی متوجه خطر میشود در راه بیروی خود می بندد که با شلیک زن مسلح مواجه می شود و تیر شلیک شده به کتف مهندس رحمانی اصابت میکند . از سوی دیگر ما موران دیگر کمیته به تصور اینکه تیر شلیک شده از سوی مهندس رحمانی بوده اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه چند گلوله به زن مسلح اصابت میکنند و موجب کشته شدن او میشود . در این میان برادرشوهر این زن بسوی او می شتابد که او هم مورد اصابت گلوله با رانش قرار میگیرد همزمان با این حادثه چند نفر از دیگر مهندسان ، تکنیسینها و کارگران شناخته شده در منزل و محل کارشان دستگیر میشوند و سپس آقایان دانشجویان از فاصله ۵۰۰ کیلو - متری افراد دستگیر شده را توطئه گر می نامند ، اما حقیقت را هر چه بخوانند و اورونه جلو دهند سرانجام خود را رسوا خواهند کرد . زیرا که با تحقیق و بررسی دادگاه انقلاب و مقامات صالح ، بی گناهی مهندس رحمانی و سایر دستگیرشدگان به ثبوت رسید و نامیردگان تیرگی و آزاد گردیدند و معلوم شد که آنها توطئه گر نبودند بلکه دستهای نامرئی فدائیان انقلاب بود که بر علیه آنکسان توطئه می چید .
حادثه دیگری در اطاق دو دانشجو در اصفهان اتفاق افتاد . دانشجویان مذکور هنگام خنثی نمودن بمبی که در زمان رژیم سابق ساخته شده بود دچار حادثه شدند . نکته قابل توجه این که بمب هنگام خنثی شدن در منزل آنها منفجر شده نه جای دیگر . و دروغ پردازان بهتریسی فرستار پیدا کردند تا بخاطر علاقه مندی دانشجویان مزبور نسبت به سازمان چریکهای فدائی خلق نام این سازمان

مهندس رحمانی یکی از معدود مهندسان مبارز انقلابی ذوب آهن بود که با توجه به عقایدش یعنی اعتقاد بسه انقلابی ترین طبقه بودن کارگران از مدت ها پیش زیر نظر بود ، و سرانجام در تاریخ ۲۸ / ۵۸ چند نفر مسلح از جبه یک زن از سوی کمیته امام اصفهان جهت سوء قصد یا دستگیری نا مبرده به منزلش حمله ور میشوند و ابتدازن مسلح بسه بهانه های او مراجعه میکنند . وقتی مهندس رحمانی متوجه خطر میشود در راه بیروی خود می بندد که با شلیک زن مسلح مواجه می شود و تیر شلیک شده به کتف مهندس رحمانی اصابت میکند . از سوی دیگر ما موران دیگر کمیته به تصور اینکه تیر شلیک شده از سوی مهندس رحمانی بوده اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه چند گلوله به زن مسلح اصابت میکنند و موجب کشته شدن او میشود . در این میان برادرشوهر این زن بسوی او می شتابد که او هم مورد اصابت گلوله با رانش قرار میگیرد همزمان با این حادثه چند نفر از دیگر مهندسان ، تکنیسینها و کارگران شناخته شده در منزل و محل کارشان دستگیر میشوند و سپس آقایان دانشجویان از فاصله ۵۰۰ کیلو - متری افراد دستگیر شده را توطئه گر می نامند ، اما حقیقت را هر چه بخوانند و اورونه جلو دهند سرانجام خود را رسوا خواهند کرد . زیرا که با تحقیق و بررسی دادگاه انقلاب و مقامات صالح ، بی گناهی مهندس رحمانی و سایر دستگیرشدگان به ثبوت رسید و نامیردگان تیرگی و آزاد گردیدند و معلوم شد که آنها توطئه گر نبودند بلکه دستهای نامرئی فدائیان انقلاب بود که بر علیه آنکسان توطئه می چید .
حادثه دیگری در اطاق دو دانشجو در اصفهان اتفاق افتاد . دانشجویان مذکور هنگام خنثی نمودن بمبی که در زمان رژیم سابق ساخته شده بود دچار حادثه شدند . نکته قابل توجه این که بمب هنگام خنثی شدن در منزل آنها منفجر شده نه جای دیگر . و دروغ پردازان بهتریسی فرستار پیدا کردند تا بخاطر علاقه مندی دانشجویان مزبور نسبت به سازمان چریکهای فدائی خلق نام این سازمان

اعلامیه ای با امضای هسته " وحدت کارگری - ذوب آهن، بنام ۵۸/۲/۲۰ پخش شده است که در آن به مشکلات و دردهای کارگران ذوب آهن اشاره شده است اعلامیه ابتدا هفت خوانی را که بیانگر سدهایی است که در مقابل کارگران ایجاد میشود بر میسرمد که خلاصه آنرا در زیر میآوریم:

۱- خوان اول: انتصاب مدیر جدیدی بنام "محمدعلی متقی" که چون بگفته خیلی ها فرستاده امام بوده است کارگران با میدان اینکه وی خادم کارگران باشد، او را قبول میکنند.

۲- خوان دوم: مدیر جدید علا فشارهای قبلی را توسط همان ممدور قبلی ادامه میدهد...

۳- خوان سوم: هر روز سر و کله کمسانی چون بنی صدر و آیت الله طاهری و فروهر پیدا میشود که به کارگران میگویند کار کنید، کار کنید... یادی از گذشته.

۴- خوان چهارم: به سباز را که بعنوان کارآموزی به کارخانه آورده اند در یکی از روزهایی که کارگران برای احقاق حقوق خود انتصاب کرده بودند، مسلح میکنند و آنها اطراف کارخانه را محاصره میکنند...

۵- خوان پنجم: امروز از اینهمه درخواستهایمان (۱۰ ساعت کار در هفته... دست شویی و حمام... وسایل...)

۶- اینی و... جز بیکاره مرخصی در سال را نداریم... سا- واکتی ها و مزد دوران گذشته خودشان را به کمیته معرفی کرده و کارت گرفته اند و باز کارگران را سرکوب میکنند. اگر قیلا بما میگفتند "اخلاق" حالا میگویند "کمونیست"... آنها...

۷- نمیگذارند که در اطراف کارخانه کسی نشریه کارگری بفرود شود. خوان ششم: یک عده میخواستند شورائی را که ما بطور دسته جمعی و برای نظارت بر سرزوش خود و خلقمان در- ست کرده بودیم... با استفاده از سادگی کارگران بهم - زنند... آنها خواستند طومار جمع کنند و مهندسین قبلی را دواره بما تحمیل کنند که چون با افشگری ما مواجه شدند کارشان را با استفاده از نام امام و اینکه باید حرف امام را - گوش کرد عملی کردند...

۸- خوان هفتم: کارگران اتحاد... مبارزه ادامه دارد. ما کارگران که سالهای سال در زیر اختناق و فشار، در مقابل سرزیزه و گلوله مبارزه کردیم و شهید دادیم، خیلی چیزها یاد گرفتیم... ما حالا میدانیم که "حق گرفتنی است نه دادن"، ما حالا میدانیم که اگر با هم متحد شویم چه نیروی بزرگی را تشکیل میدهیم... ما حالا میدانیم که آزاد ی کارگران فقط بدست خود کارگران میسر است و باید مبارزه را ادامه داد... ما دانسته ایم که هر نماینده ای که بخواهد ریزه خوار سفره دیگری باشد در میان ما جایی ندارد.

۹- در این مبارزه ما باید نه تنها خواستهای خود را مطرح کنیم بلکه باید بفکر دیگر زحمتکشان نیز باشیم... ولی ما میدانیم که تنها ضامن اجرایی این خواستها اتحاد ما کارگران ایران و مبارزه ما در کنار دیگر مبارزان است.

۱۰- خواستهای حداقل ما عبارتند از:

۱- استقلال برای ایران و شناخت حق حاکمیت برای خلق های مختلف ایران... (کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و غیره...)

۲- ملی کردن سرمایه های امپریالیستی و نگرانشان در ایران.

۳- تصفیه ارتش، ادارات، کارخانجات، از افراد دزد و - ساواکی و ضبط اموال آنها برای کارگران بیکار.

۴- آزادی کامل عقیده، بیان، قلم و اجتماعات.

۵- قانونی شدن شوراهای و اتحادیه های کارگران و همسنگ طبقات و اقتدار اجتماع.

۶- نظارت کارگران بر امور اقتصادی و اداری کارخانه.

۷- جلوگیری از گرانی، احتکار و سود جویی.

۸- تامین حداقل دستمزد برای یک زندگی راحت و شرافتمندانه، بالا بردن مزد کارگر به نسبت گران شدن اجناس.

۹- تغییر قانون کار با نظر کارگران... بر داشتن جریمه، - مرخصی سالانه برابر با همه کارمندان دولت، ۱۰- ساعت کار در هفته، دو روز تعطیل در هفته، کسر نکردن مالیات، پرداخت تمام حقوق و مزایا در مواقع بیماری و تا پایان مدت درمان و بهبودی کامل.

۱۰- مسکن مجانی، درمان مجانی، آموزش مجانی حرفه و سواد برای کارگران.

۱۱- آزاد بودن اعتراض و قانونی بودن اعتصاب.

۱۲- دخالت نکردن پلیس و ارتش و سازمانهای پلیسی (نظیر ساواک و...) در کار کارگران، دخالت نکردن دولت و کارفرمایان در امور داخلی کارگران.

۱۳- داف نمودن دست شویی، حمام و رخت کن، رستوران، مهد کودک و محل اجتماع کارگری در کارخانه.

۱۴- دادن کفش و کلاه ایمنی و تامین کامل امنیت کار.

۱۵- ایجاد شرکتهای تعاونی کارگران.

۱۶- پرداخت به موقع حقوق.

۱۷- رسمی شدن کارگران پیمانی (یا قراردادی یا هر نوع

برای کارگرانی که اخراج شده اند و یا در خطر اخراج شدن قرار دارند دانستن اینکه چرا کارگران را اخراج می کنند بسیار مهم است. در کشورهای سرمایه داری اخراج مسئله ایست که کارگر همیشه به آن روبروست این مسئله در این کشورها تصادفی نیست، ایران هم یک کشور سرمایه داری و وابسته به خارجیان است و مهمترین علت های اخراج و بیکاری کارگران هم در کشورهای سرمایه داری بقرار زیر است:

۱- دستگاهها و ماشین آلات جدید و پیشرفته - ماشین آلات قدیمی ترمی شوند. ماشین های اتوما تیک جدید کارگری را بطور سریعتر انجام می دهند ولی تعداد کارگر کمتری می خواهند. مثلا با ورود ماشین های تایپ، عکس برداری و حرف چینی جدید چاپ بهایسیران عده زیادی از کارگران حرف چینی بیکار و اخراج شدند و یا بیکاری آنها را تهدید می کند.

۲- در جامعه سرمایه داری روابط طور یست که سود و منافع سرمایه دار بر همه چیز برتری دارد. ماشین آلات جدید که حاصل پیشرفت بشر هستند بجای اینکه باعث رفاه و آسایش بشوند باعث اخراج و بیکاری می شوند. این مسئله در گذشته باعث شد بیوه که کارگرانی که هنوز به آگاهی طبقاتی دست نیافته بودند، علت بدبختی خود را ماشین آلات میدانستند و ماشین شکنی یکی از شکل های مبارزه بود. این شکل مبارزه از روی ناگاهی صورت می گرفت و بعدها کارگران فهمیدند که ماشین ها عامل بدبختی کارگران نیستند، بلکه طبقه سرمایه دار و وجود روابط سرمایه داری در جامعه عامل رنج و استثمار آنهاست. کارگران رفته رفته آگاه تر شدند و به نیروی که در اتحادشان بود پی بردند و مبارزه ات آگاهانه تر و متشکل تر بر ضد سرمایه داران کردند و پیروزیهای زیادی نیز بدست آوردند.

۳- سرمایه داران، برای بدست آوردن سود، کالا تولید می کنند. وقتی یک کالا مورد نیاز بازار است، سرمایه داران دست به تولید آن می زنند ولی چون معلوم نیست که بازار چقدر احتیاج دارد، تولید آن حساب و کتابی ندارد. مثلا "اسفال" که نفت کم بود، ظرفهای پلاستیکی، نفت، فرش خوبی داشت و این کالا آتقدر تولید شد که تمام بازار را پر کرد بطوری که در آخر بهمین مساله قیمت آن پایین آمده و دیگر خریداری برای آن پیدا نمی شد و به "ال" تلویزیون که بازار داغ فروش آن باعث شده که تولید کنندگان آن خیلی بیشتر از حد معمول دست به تولید آن بزنند تا جایی که در آینده بازار تلویزیون پر شود و دیگر برای آن خریداری نباشد. در جامعه سرمایه داری هرج و مرج در تولید کالا وجود دارد. گاهی - بازارش خوب است و گاهی بد. پس کارخانه زمانی با تمام ظرفیت کار می کنند و کارگران مشغول بکارند و زمانی دیگر وضع بازار خوب نیست و کارگران اخراج می شوند. در - جامعه سرمایه داری است که وقتی تولید زیاد شود بحران اقتصادی بوجود می آید. این از چیزهای علاج نشدنی جامعه سرمایه داری است، یعنی بیکاری و اخراج، گاه و بیگاه بر اثر بحران در تولید کالاها بوجود می آید. زیاد شدن تولید که باید در خدمت رفاه و سعادت جامعه باشد - عامل سیه روزی و فلاکت توده های عظیم کارگران می شود. در اثر هرج و مرج تولید، کالا بیش از اندازه تولید میشود. سرمایه دار کارها را می خواباند تا کالا بیش بفروش برسد، یعنی تعدادی از کارگران اخراج میشوند. این کارگران که اخراج می شوند خودشان از بازار خرید می کردند و حالا چون پولی در دست ندارند، این خرید بیش از پیش محدود می شود و در نتیجه کالا های بیشتری در بازار باقی می کند و به اصطلاح بازار کساد می شود. عده ای از سرمایه -

۴- نوشته حاضر بخشی است از مقاله ای تحت عنوان "گزارش از اجتماع کارگران گیلارد سیستان در شوشتر همراه با توضیح ریشه بیکاری" که چندی قبل توسط "دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر - مسجد سلیمان" انتشار یافته است.

استخدام غیر رسمی دیگر

۱۸- رسیدگی وضع کارگران بیمار و از کار افتاده.

۱۹- ایجاد سرویس مرتب برای رفت و آمد کارگران.

۲۰- جلوگیری از اخراج کارگران و پرداخت کامل حقوق و مزایای کارگران در مواقع بیکاری.

کارگران روزه ای آبادان و حوضه سخن میگویند

در اثر مجاهدت و فداکارهای قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار جامعه، نظام جنینی محمد رضا شاه به زوالدانی تاریخ سپرده شد، ما کارگران پروژه ای که بخش مهمی از نیروی سازنده اقتصاد این مزر و بوم هستیم و در امر

داران که وضع مالی ضعیفتری دارند نیز ورشکست میشوند و در کارخانه هایشان را می بندند. بعضی از سرمایه داران دیگر هم که برای آنها مواد خام و لوازم مورد مصرف دیگر تولید می کردند و نیز سرمایه دارانی که کالا های مورد نیاز خود را از آنها می خریدند، دچار درد سر می شوند و این درد سر زودتر از همه به کارگران منتقل می شود و با عسرت اخراج آنها می گردد.

۳- سومین دلیل اینکه کارگران در رژیم سرمایه داری همواره در معرض تهدید بناخارج قرار دارند وجود توده عظیم بیکارانیست که در پشت درهای کارخانجات به صف ایستاده اند. در تمام کشورهای سرمایه داری، یک گروه بزرگ بیکاران وجود دارند. بیکاری به سرمایه داران امکان می دهد دستمزد کارگران را به حد اقل کاهش دهند و حداکثر بهره کشی را از آنها بکنند. در ضمن بیکاری عاملی است که سرمایه داران برای ایجاد تفرقه و نفاق میان کارگران از آن استفاده می کنند. کارگران هیچوقت فراموش نمی کنند که رژیم شاه خائن برای شکستن دستمزد ها و افزایش تعداد بیکاران بیشتر از صد هزار کارگر خارجی چه کارگر ساده مثل کارگر - ان افغانی و چه متخصص مثل کارگران فیلپینی و کورهای وارد ایران کرده بود. سرمایه داران سعی می کنند که بین کارگران بیکار و آنها که سرکارند رقابت بوجود بیاورند تا هم از وحدت آنها جلوگیری کنند و هم کارگران مشغول به کار را به سکوت در مقابل شرایط سخت کار و ادار نمایند. از طرفی بعد از اصلاحات ارضی قلابی و آپکی شایخاخن، عده زیادی از کشاورزان بیکار شده و برای پیدا کردن کار به شهرهای صنعتی و کارخانجات هجوم آوردند و در پشت در کارخانجات در صف های طولانی به انتظار کار ایستادند.

بیکاری لازمه رژیم سرمایه داری است و تا وقتی که این رژیم حاکم است، بیکاری از بین نخواهد رفت. وجود تعداد زیاد بیکاران به سرمایه داران امکان می دهد هر گاه بهیر دلیلی از کارگری خوششان نیاید، بلافاصله او را اخراج کنند چون می دانند افرادی هستند و می توانند ج جای کارگران اخراجی را پر کنند. سرمایه داران خصوصاً از کار -

گران آگاه و پیشرو، از کارگرانی که مبارزه جو هستند و برای اتحاد کارگران تلاش می کنند و زیر بار نمی روند، شدیدا - دلخورد و کینه دارند باین جهت دائما توسط جاسوسان خود در جستجوی این کارگران آگاه و پیشرو هستند تا آنها را شناسایی کرده و اخراج نمایند.

۴- در کشورهای مثل ایران که سرمایه داری وابسته اند، علاوه بر مسائل بالا مشکلات و بحرانهای کشورهای دیگر سرمایه داری، امریکا و اروپا و ژاپن نیز به ایران منتقل می - شود و هر بحران در آن کشورها مشکلاتی را برای کارگران ما بیاری آورد، مثلا "اعتصاب کارگران کارخانه کرایسلر انگلستان که تولید کننده موتور پیکان است می رفت که تعطیل کارخانه ایران - ناسیونال و بیکاری کارگران آن منجر شود. همانطور -

یکه در بالا دیده شد در جامعه سرمایه داری بیکاری از بجا - ریهای علاج ناپذیر است. ولی رژیم سرمایه داری است بیکاری نیز وجود دارد. ولی بیکاری در جامعه ایران علاوه بر دلایل بالا، دلایل دیگری نیز دارد.

در مبارزات یکساله اخیر، بر اثر اعتصابات و فرار سرمایه ها و سرمایه داران و بلا تکلیفی کارخانه ها، امور اقتصادی دچار کندی و نابسامانی شد.

سرمایه داران سعی کردند فناری را که به آنها وارد می - شود بلافاصله به کارگران منتقل نمایند. اولین کار آنها این بود که از پرداخت حقوق کارگران خودداری کنند. طی چند ماه اخیر تعداد کارگرانی که پرداخت حقوقشان قطع شده است به ۳ میلیون می رسد. سپس مسئله اخراج دسته جمعی کارگران و بستن کارخانه ها پیش آمد.

بسیاری از کارخانه ها تعطیل و کارگران آن اخراج شدند و بسیاری دیگر از تعداد افراد مشغول بکار کاسته شد.

پیشبرد انقلاب نقش بسزای داشتیم نتمتها در اوضاع و احوال فعلی فراموش شده ایچکه هر نوع فریاد حق طلبی ما بشدت سرکوب و ارزش انسانی ما مورد اهانت و بیحرستی قرار گرفته است...

چه کمسانی توطئه می کنند؟؟ و آیا تن در ندان به شرایط و قوانین ضد کارگری که از سوی سرمایه داران و کار - فرمایان اعمال می گردد، توطئه است؟؟؟ آیا زحمتکشان ضد انقلابی اند؟؟؟ بینه شیم که در این رابطه منافع و چپا و لگربهای چه کمسانی در خطر است؟؟؟ آیا تبلیغات سوئ علیه ما کارگران پروژه ای از جانب این عوامل مرتجع که همانا قدرتمندان رژیم سابق اند می تواند درست باشد؟؟

بهدار توافقتنامه ایران و عراق در سال ۱۹۷۵ ماهیت ارتجاعی خاستگاه و وابسته به امپریالیسم دار...

خبر "قیاده" اشاره میکنیم: ۱- مفرور و مجروح نمودن دو نفر معلم با ساسی عبدالله نژادینان و همایون گدا زگر در "وله ژبئر"...

بروستان های محل کا خودبروند. ۱۰- مزدوران "قیاده" در تاریخ ۵۸/۲/۶، آبا دیهای...

در زمان شاه جلد، فعالیت "قیاده" بیشتر در نواحی مرزی کردستان ترکیه، ایران و عراق صورت می گرفت...

رتوف خان شاه پرست و "محمد صدیق خان جاف" غارتگر و جانیان شهر است. ۴- اسماعیل آقا عباس فرزند محمد عباسی...

خانهای مرتجع در فکرتوطه ای دیگرند. اخیرا حدود ۲۰۰ تن از اربابان مرتجع منطقه سقز، بوکان...

"قیاده" اکنون به شناسائی، قتل و غارت مبارزین و میهن پرستان کرد پرداخته است. و به هر کس که بخواد با مهر کمونیست زدن یورش میبرد...